

هوره، آوازی نیایشی از عهد باستان

ولی کمری^۱

چکیده

هوره آوازی اصیل، با صلابت و تاریخی است که در بخش غربی ایران و در میان اقوام کرد و فرهنگ‌های هم جوار رواج دارد. فرهنگ هوره، ریشه در تاریخ کهن ایران زمین دارد. آوازی نیایشی است که بر محور ستایشگری اهورامزدا بوده است. قبل از اسلام در سرزمین ایران از جمله نواحی گردنشین آیین زردشت رواج داشته است. هدف از این پژوهش بررسی هرچه بیشتر سیر تاریخی و آشنایی خوانندگان و تشنگان الحان و هنرهای آوایی و تحلیل و تفسیر انواع مقام‌های موسیقایی می‌باشد پرسشی که مطرح می‌شود این است که کاربرد این آواز چه بوده و چه تأثیری بر امورات اجتماعی مردم گذاشته است؟ نحوه گردآوری، پیشینه و هویت آن به صورت میدانی و کتب تاریخی موجود در این مقاله گنجانده شده است. می‌توان پی برد که این نغمات دلنشین ریشه در آیین کهن ایران زمین داشته و برگرفته از نغمات بهشتی و بلبلان مستانه کوهساران زاگرس و پرندگان خوش الحان بوده است. در هنگام برپایی جشن‌ها و آیین‌ها و سوگواری‌ها روح هر انسانی را صیقل می‌داده است. بزرگان قوم و سرداران ایل و نام‌آوران که از این دنیا رخت برمی‌بستند، در توصیف و رثای آنان آواز هوره "مور" یا "مویه" سر می‌داده‌اند.

واژگان کلیدی: آواز هوره، آواها، زاگرس، مویه، چمر، اهورا مزدا، گات‌ها.

^۱ - دانش‌آموخته پژوهش هنر مقطع ارشد دانشگاه پیام نور، دانشکده هنر و رسانه تهران شرق،
valikamari@gmail.com

مقدمه: هوره ساده‌ترین، ابتدایی‌ترین و اصیل‌ترین گونه موسیقی آوازی است که به تکرار و هزارگونه‌گی زبانی و کیفی درآمده است. هوره ندای حق طلبی است. ندای کردارنیک، پندارنیک و گفتارنیک است، همان‌گونه که بعد از دوران زرتشت مسلمانان کتاب آیات خدا (قرآن) را با آوازی دگر قرائت می‌کردند. در آن زمان گات‌های اوستا (سروده‌ها) این حس ژرف و زلال را با صوت قشنگ و تحریرهای کبک‌گونه هوره به دیگران منتقل می‌کردند. در این نوشتار تلاش شده تا ابعاد مختلف این آواز نیایشی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

عبداله مرادی در مورد هوره نوشته است: آواز هوره به هزاره‌های قبل از میلاد و همچنین دوره‌هایی از تاریخ باستان بر می‌گردد. کتاب زرتشت اوستا نام دارد. این کتاب متشکل از دومیلیون قطعه شعر است. جالب است همگی ما می‌بایست بدانیم اجداد و پیشینیان کورد ما کتاب اوستا را با آهنگ الهی هوره تلاوت و قرائت می‌کردند. قابل توجه است که دوستان و جوانان کورد ما بدانند؛ ۷۰ درصد کتاب اوستا به زبان کوردی و خاصاً لهجه اورامی و هم‌چنین دیگر لهجه‌های کوردی چون: پهلوی کرمانشاهی و نیز لهجه کرمانجی آمیخته شده است (مرادی، کردپرس).

هوره چیست ؟

هوره آواز ممتدی است که خواننده، شعرها و ابیات بشمارای را در ذهن داشته و به هنگام اجرا آن‌ها را پی‌درپی می‌خواند. در گذشته‌های دور مضمونی مذهبی داشته؛ اما امروزه مضمونی عاشقانه به‌خود گرفته که بیشتر در وصف معشوق خوانده می‌شود. هوره با ترکیبی از صدای کبک کوهی و برخی پرنده‌گان به ارتعاش درمی‌آید. تحریرهای پی‌درپی زیبایی خاصی به هوره می‌دهند.

این آواز در ایران، به خصوص در میان مردمان کُرد زبان غرب کشور هوره نام دارد که قدمتی کهن دارد. دوران پیامبری داوود نبی، میتراثیسم، زرتشت و به خصوص در دوران زرتشت بخش مهمی از اوستا کتاب مقدس ما زرتشتیان در سابق به صورت منظم نگاشته شده که مردم برای خواندن و نیایش اهورامزدا (خدای بزرگ) هوره می‌خواندند.

هوره ستایشگری اهورامزدا بوده. کُردها که پیرو آیین آسمانی زرتشت بوده‌اند، به واسطه این نغمه‌های باستانی هوره، اهورامزدا را عبادت و نیایش می‌کردند.

در کتاب تاریخ کیش زرتشت چنین اشاره شده است:

کیش زرتشت، یگانه دین مبتنی بر ایمان می‌باشد که پس از پیدایش صدها سال بدون اتکا بر متون مکتوب پابرجا بود. مطلبی که برای یونانیان باستان موجب شگفتی شده بود. نخستین گروندگان به کیش زرتشت زندگی سرشار از ایمان داشتند و سخت به فراگیری آن می‌پرداخته‌اند. با نبودن کتاب‌ها و مجسمه‌ها و نقاشی‌ها، درک آنان از کلام پیامبرشان و کارایی آنان در انتقال این درک به نسل‌های بعدی بایستی عمدتاً مدیون روشن کردن و تفهیم تعالیم خود با اجرای آیین‌های پرمعنا و فرایض تکراری بوده باشد. تکراری که سبب می‌شد در ذهن آنان عمیقاً نقش بندد.

یکی از اساسی‌ترین این فرایض اصولی، پنج نیایش روزانه بود که عمل کردن به آن برای هرکس که در جرگه مؤمنین پذیرفته می‌شد از واجبات بود. ظاهراً سنت این بود که در هر ۲۴ ساعت سه بار نیایش کنند (طلوع آفتاب، ظهر و غروب) که بر حرارت زندگی ایمانی پیروان خود بیافزاید. اوقات اضافی در حضور یکی از مظاهر آتش، نیایش شود. چون آتش به "اشا" تعلق دارد و شمایل راستی و عدالت است.

نیایش شامل: عباراتی از اوستای متأخر و پهلوی می‌باشد. عمدتاً از ابیات گات‌ها تشکیل می‌شود. در منابع آمده است: کهن‌ترین و سپندترین بخش اوستا گاهان یا گات‌ها یا گات‌ها است. گاه یا گات به معنی سرود یا درست‌تر سروده منظوم و شعرگونه در میان نثر می‌باشد. اما نه به مانند سروده‌های پارسی نو بر مبنای عروض عرب باشد، بلکه نزدیک به وزن سروده‌های کهن سانسکریت و سایر شعرهای ایرانی باستانی است. سروده‌ها و نیایش‌هایی که سخنان خود و خورشور زرتشت سپیتمان هستند و مردمان همواره نگاه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. سروده‌ها کهن‌ترین آثاری است که از روزگاران پیشین برای ایران ادبی امروز به‌جا مانده و به همین روی از دید دستور زبان و درون‌مایه با سایر بخش‌های اوستا دگرگونه است (اعظمی و...، ۱۴۰۱: ۶).

تعاریف و واژه‌ها

هوره خوانی: یکی از کهن‌ترین نغمه‌های ایران، هوره خوانی است این نغمه‌ها هنوز در میان کوردها برجاست این نغمه برجا مانده از گاه خوانی کهن اوستایی است که قدمت آن به دوران پیش از میلاد می‌رسد و نمونه زنده از پیوند آیین و موسیقی است (ادوارد زئر).

سیاه چمانه: هوره را در کردستان به نام سیاه چمانه و بز می‌چپله می‌نامند و معمولاً بز می‌چپله نشاط انگیزتر از سیاه چمانه‌ست. آن را ریتیمیک و شادتر از بقیه نقاط زاگرس، اجرا می‌کنند که اصیل‌ترین گویش را هم که ریشه در زبان هورامانات و حوزه گسترش آن میان هورامی زبانان از شهرستان پاپوه تا مریوان و روستاهای هورامی‌نشین کردستان عراق است.

کلهر: گویش کلهری شاخه جنوبی از زبان کردی است که اکثراً در استانهای ایلام، کرمانشاه، بخش‌هایی از استان کردستان (از جمله قروه) و خانقین عراق با آن تکلم می‌کنند.

گوران: این واژه به گویشی اطلاق می‌شود که در گذشته باستان دو لهجه هورامی و گورانی نو را در بر می‌گرفت و لی بخاطر جدایی جغرافیایی و آیینی این دو قوم از هم، لهجه گورانی نو بر دالاهو نشینان یعنی مردمان قبیله قلخانی اطلاق می‌شود. لهجه هورامی هم بر همان حوزه آواز سیاجمانه اطلاق می‌شود.

مور: شاخه‌ایی از «آواز مادر» است. حوزه گسترش این آواز چنان‌که پروفیسور همزه‌ایی هم بر آنست (۱۳۸۵) در مناطق لک‌نشین (گویندگان گویش لکی) از کوه‌دشت تا محدوده کرمانشاه یعنی شهرستان‌های کوه‌دشت، الیگودرز، هرسین، الشتر، نورآباد و ... مور در میان دیگر گُردان هم به‌ویژه در هنگام عزاداری، رایج است؛ اما با کاربرد بیشتر این آواز و عمومیت آن در میان مردان و زنان به نظر می‌رسد در میان حوزه خصوصی آن در میان لک‌زبانان است. نشریه «گوفار» مهاباد می‌نویسد: مور نوعی از موسیقی است که نهایت غم و اندوه را در آن می‌توان یافت و غمی بیش از آن را نمی‌توان متصور شد. این گنجینه‌ها قرن‌ها طول کشیده تا شکل امروزی را به‌خود گرفته است. مور از آوازهای کهن ریشه‌دار زاگرس‌نشینان است که خاستگاه آن را بایستی اطراف رود سیمره دانست.

هوره: شاخه‌ای از «آواز مادر» است. گرچه با کاربرد وسیع آن در میان گوران‌ها و کلهرزبانان به نظر می‌رسد که مختص به آن‌ها می‌باشد؛ اما می‌بینیم که در عمل در میان لک‌زبانان هم رایج است.

یارسان: از دو کلمه یار + سان تشکیل شده است. یارسان شاخه‌ای از آیین‌های یزدانی است و در میان قلخانی‌ها یعنی متکلمان لهجه گوران نو گسترش دارد. این آیین از قرن دوم هجری و با «بهلول دانا» پی‌ریزی شده و توسط سلطان اسحاق پایه‌های آن مستحکم گردید. نام‌های دیگر آن: آیین یارسان، اهل حق، کاکه‌ای و آیین یاری است (بهمن بهرامی). در یکی از گات‌ها آمده است:

ای اهوره (هوره).... دین مرا ازین آموزش بیاگاهان.

ای مزدا! بدان هنگام که "دروند" *duřvand* "آزردن مرا کمرمی‌ببندد جز" آذر "منش نیک" اشا از کردارشان کارآمد می‌شود. چه کسی مرا پناه خواهد بخشید؟ آشکاراست که زرتشت به گات‌ها اهمیت بسیار می‌داد. اشعاری که در طول سال‌های دراز با الهام از رؤیاها و اشراق‌های خویش سروده بود. چه بسا خود او این ابیات و عبارات مخصوص را انتخاب کرده و به پیروان خود دستور داده بود که آن‌ها را به عنوان ادعیه روزانه به کار گیرند.

یک مراسم دیگر که غزل‌های گاتایی را لازم می‌ساخت، مراسم آیینی نگهبانی از آتش اجاق بود. ایرانیان باستان همیشه آتش اجاق را روشن نگاه می‌داشتند. مراسم رسیدگی به آتش و پرستاری از آن مستلزم زمزمه آتش، نیایش بود که پنج بار در شبانه روز به عمل می‌آمد.

آتش نیایش، اکنون در اوستای متأخر هفده بیت دارد؛ اما سه بیت اول و آخر آن از گات‌هاست و باز هم به احتمال قریب به یقین این خود زرتشت بوده که این ابیات را به پیروان خود تعلیم داده تا به هنگام انجام این مراسم زمزمه کنند.

ای اهوره (هوره)

[خود را] به من بنمای و {در پرتو} "آرمیتی" توش و توانم ده

ای مزدا... به پاداش ستایشم، از "سپندترین مینو" نیکوئی، از "اشا" توانایی بسیار و از "منش نیک" سروری بخش

بازمزمه این اشعار مؤمن فرامی‌گیرد که نفس را نیز باید مانند هدایای مادی پیشکش کرد. در این مبارزه، آتش به عنوان نما، نیرویی عظیم در خود ذخیره داشت. به‌ویژه نیمه شب از زیر بستر خاکستر خود "بیدار" می‌شود و به‌صورت شعله‌های فروزان خیز برمی‌داشت و هجوم می‌آورد و "دیو" تاریکی را به عقب می‌راند.

در آن لحظات "اشونی" که به پرستاری آتش می‌پرداخت و آنانی که در حضورش به نیایش مشغول بودند به‌گونه‌ای محسوس و ملموس خود را در نیرو دادن به آن شریک می‌دیدند (مری بویس، ۱۳۷۷: ۱۲۷-۱۳۳). همان‌طور که در برخی کتب تاریخی معتبر مانند "المعجم فی معاییر اشعار العجم" اثر گرانبهای شمس قیس رازی سده هفتم هجری اشاره شده است که: (خوش‌ترین اوزان، فهلویات است که ملحوظا آن را اورامان خوانند).

هوره، ترانه باستانی

در پژوهش "فاروق صفی‌زاده" پژوهشگر کُرد چنین آمده است: فرهنگ عامیانه هر قوم، بارزترین نشانه شناسایی ویژگی‌های آن قوم است. با نگاهی به فرهنگ کُردی یکی از آن‌ها "هوره" می‌باشد که با عنوان ترانه باستانی از آن یاد شده است. ترانه‌های کُردی شامل دو مصراع و هر مصراع مرکب از ده هجاست. از لحاظ قافیه، حروف آخر دو مصراع یکسان و اغلب تابع قوانین قافیه در زبان فارسی و عربی است؛ ولی چون میزان عروضی سنجیده نمی‌شود ناگزیر برای سنجش شعر باید شماره هجاها و بلندی یا کوتاهی آخرین هجاها را در نظر گرفت (صفی‌زاده:). ترانه

گُردی کهن ترین بخش ادب فولکلور در ادبیات گُردی است. بیشتر ترانه‌های باستانی (هوره) شامل اشعار ده هجایی است. اشعار ده هجایی که کلیه متون ادیان باستانی ایران با آن سروده شده، از زمان‌های بسیار کهن رایج بوده است.

اشعار هجایی

در زبان پهلوی، چه در آثار مانوی و چه در آثار اشکانی و ساسانی، شعر هجایی دیده می‌شود. در گاتها نیز می‌توان شعرهایی یازده، دوازده، چهارده، شانزده و نوزده هجایی یافت. در یشت‌ها وزن شعری اغلب هشت آهنگی است و در میان آن‌ها اشعار ده هجایی و دوازده هجایی دیده می‌شود. در گویش‌های زبان گُردی که از گویش‌های کهن ایران زمین به‌شمار می‌رود، اشعار ده هجایی بخش اصلی آن را تشکیل می‌دهند. تمام منظومه‌ها، داستان‌های عشقی، رزمی و عرفانی ایرانی مانند شاهنامه، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، نادرنامه، بهرام و گلندام و ... که به گویش گورانی و کلهری و ... سروده شده همگی ده هجایی بوده‌اند.

گورانی، ترانه‌های ده هجایی

در زبان گُردی به ترانه‌های ده هجایی " گورانی " می‌گویند. این واژه منتسب به گوران یکی از عشایر مهم گُرد پیرو آیین یارسان می‌باشد. آثار منظوم گورانیان ده هجایی است. بخش عمده اوستا منظوم و شامل اشعار ده هجایی است. واژه " گاته " به ترانه‌های مذهبی آهنگین اوستایی اطلاق می‌شده است. واژه گوران از " گبران " گرفته شده که بیگانگان، زردشتیان را به این نام خوانده‌اند. در میان قوم گُرد بیش از ۲۰۰ ترانه باستانی رواج دارد که هر کدام ریشه در گذشته‌های دور داشته و سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده است. ترانه‌های باستانی هوره از کهن‌ترین ترانه‌های ایران زمین به یادگار مانده است که ویژه ستایش اهورامزدا بوده است.

سروده‌هایی که در هوره کاربرد دارند شامل:

الف) سروده‌های حماسی: در این سروده‌ها، شهامت، وطن دوستی و ستایش آب، خاک و نژاد نمایان است.

ب) سروده‌های طبیعت: وصف زمین و آسمان، ستاره، دشت و چمنزار و گل می‌باشند (فاروق صفی زاده، پژوهشگر). ریشه کلمه "هوره" از اهورا گرفته شده و معنای آن صدازدن خداوند است در تلاوت کلام وحی هم چنین است. قرآنت آیات نور و رحمت که در یک مجموعه به نام سوره نام نهاده‌ایم. مشتق از هوره می‌باشد. پس هوره آوازیست منظم با ریتمی آزاد در مناطق لرستان (مور لکی) کردستان. گویش گوران (کرمانشاه و ایلام) گویش‌های سنجابی، قلخانی و کلهر مرسوم است. هوره خوانان در هنگام فوت عزیزانشان. در وصف آن‌ها هوره "مور" یا مویه سر می‌داده‌اند. از مقام‌خوانان سیاه چمانه می‌توان به "سبحان امینی" از روانسر، عثمان زاهدی و فرهاد نادری از مریوان اشاره کرد. در آوازخوانی بزمی چپله می‌توان از عثمان هورامی هم نام برد.

کاربرد هوره، دیدگاه‌ها

خبرگزاری مهر نوشته است: هوره کهن‌ترین آواز این سرزمین و موسیقی اصیل دیار کرمانشاه است و قدمتی به بلندای تاریخ دارد که از گذشته‌های دور تاکنون سینه به سینه نقل شده و کمتر به صورت نوشته مکتوب موجود بوده که اکنون در ورطه فراموشی رها شده است و شاید این مسئله یکی از دلایل ناآشنایی نسل جدید از این آواز پرهیبت است (خبرگزاری مهر، کرمانشاه). هوره به صورت کلی سبک‌ها و مقامات متعددی دارد و پیران و کهنسالان با این سبک‌ها و مقامات آشنا هستند. آوای هوره کهن‌ترین جلوه هنر در غرب کشور به‌ویژه کرمانشاه است. این آواز

اصیل سنتی در مناطق غرب‌نشین شامل منطقه لکستان در استان لرستان، منطقه کلهرنشین در استان ایلام (به‌ویژه شهرستان ایوان) و در مناطق کلهرنشین اقلیم کردستان عراق مانند خانقین، بدره، جسان، جلولا، سعیدیه، مندلی و قسمتی از بغداد رواج دارد. هوره در میان لک زبانان و کلهر زبانان به «کزه» معروف است و با توجه به تنوع قومی در استان کرمانشاه هر منطقه، هوره مخصوص به خود دارد که با لهجه‌های خاص هر منطقه خوانده می‌شود. به‌عنوان مثال هوره منطقه گوران با هر سین فرق دارد؛ اما در ساختار آوازی تفاوتی ندارند. آواز هوره تحسین برانگیزترین جلوه هنر و کهن‌ترین و ستبرترین ستون کاخ برافراشته هنر است و از گذشته‌های دور آواهای سنتی در بیشتر مناطق جهان به‌ویژه ایران رواج داشته و در منطقه زاگرس‌نشین به‌عنوان فرهنگ و آیین مردم کلهر نهادینه شده است.

رخته فرهنگی و نفوذ موسیقی‌های جدید و سطحی سبب شده تا هوره آرام‌آرام در تاریخ این سرزمین محو و بستر برای نفوذ آواز بیگانه مهیا شود. بسیاری از مقام‌ها و سبک‌های آواز تاریخی هوره به دست فراموشی سپرده شده و کسی از آن نام و نشانی ندارد؛ اما جالب است که بخشی از این آواز سنتی و مقام‌های آن به همت (انستیتو کله‌پور فرانسه) جمع‌آوری و تدوین شده است.

هوره آواز رمزگونه

رسانه مهر در سال ۱۳۹۵ نوشته است: هوره آواز رمزگونه همراه با ریتم سنگین و کشداری است که خواننده اشعار و ادبیات کوردی را در این شیوه می‌خواند. در گذشته مضمون ادبیات مذهبی بود و هوره‌سرایان بیشتر با آواز، آیات کتب آسمانی یا آموزه‌های منظم مذهبی پرداختند؛ اما امروز اشعار آن معنای عشق و عاشقی، شادی، غربت، دوری و دل‌تنگی است. هنرمندان بنام و مشهور عشایر و طوایف

گونگون، مرحوم استاد علی نظرمونوچهری، سیدقلی کشاورز مهیدشتی، مرحوم ابراهیم حسینی، هنرمندان بازماندهٔ آواز هوره در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و در مناطق مختلف استان کرمانشاه به انواع مختلف مقامات اجرا می‌شود. علل رکود و مهم‌ترین چالش پیش‌روی احیا: عدم استقبال جوانان از این آواز، بی‌توجهی رسانه‌های دیداری و شنیداری در معرفی این آواز اصیل، نفوذ فرهنگ بیگانه و ترویج آهنگ‌های نامناسب و غیر عرف در میان جوانان می‌باشد. (هوره آواز اصیل نسل‌های فراموش شده، رسانهٔ مهر (۱۳۹۵)).

این خبرگزاری، در گزارش‌های دیگر خود به نقل از مسئولان میراث فرهنگی استان کرمانشاه نوشته است: هوره از آوازهای پرکاربرد به‌ویژه در آیین‌های عزاداری کردنشین‌ها محسوب می‌شود. در دوران حکومت ساسانیان دو موسیقیدان به نام‌های باربد و نکیسا در دربار ساسانیان بودند که بسیاری از مقام‌های آواز هوره را به این دو نسبت می‌دهند. علی‌فعله‌گری در ادامه گفت: هوره شامل بخش‌های مختلفی است از جمله بخش مذهبی که مقامی نیایشی و مربوط به دوران پیش از اسلام است و اکنون منسوخ شده. هوره، دلداری یا عاشقانه شامل ۷۳ مقام است که بسیاری از آن از بین رفته. هوره، موسیقی کار، موسیقی، لاهه یا لالایی و مور که بخش غم و سوگ است. البته بخشی از مقام‌های مور و سوگواری در مناطق مختلف همراه با ساز و بیشتر تنبور و در بعضی مناطق همراه سورنا و دهل است. مثل مقام آقامیرو که با همراهی دهل و سورنا اجرا می‌شود. او هوره را برگرفته از کلمهٔ اهورا می‌داند. رضا موزونی ادیب شاخص کلهر: احیاگران آواز هوره را آن‌هایی می‌داند که به هویت و ریشهٔ فرهنگی خود پایبندند. این نویسنده و پژوهشگر، آینده را از آن درختانی می‌داند که چون بلوط ریشه در خاک هویت خویش دارند. او در ادامه می‌افزاید:

هوره از کهن‌ترین گونه‌های آوازی دیار زاگرس و به‌ویژه کرمانشاه و از باستانی‌ترین آواهای دنیاست که به نظر می‌رسد در گذشته‌های دور برای خواندن متون نیایشی به کار می‌رفته و از زمان زرتشت نیز فراتر است. وی درون‌مایه اشعار هوره را نیایش، عشق، طبیعت و ... عنوان کرد. خبرنگار رسانه مهر در ادامه گزارش خود نوشته است: روزگاری است که عده‌ای این آواز اصیل باستانی را حقیر پنداشته و منزلت و جایگاهی برای آن قائل نیستند؛ اما باید بدانیم که هوره هویت و ریشه فرهنگی ما است. هوره، کهکشان بی‌پایان کلمات است و از سینه هنرمندان این سرزمین نسل به نسل منتقل شده و اکنون می‌رود تا در ازدحام ترانه‌های پاپ و جاز و راک گم شود.

راهکارها برای حفظ و احیا: مستندنگاری مقام‌ها و سبک‌های باقیمانده این نوع موسیقی، مستندسازی این موسیقی و مقام‌های آن، گنجاندن آن در دروس دانشگاهی، ضبط و ثبت مقام‌های مختلف هوره و ترویج آن در میان مردم، برگزاری همایش، سمینار، جشنواره و تجلیل از پیشکسوتان و نام‌آوران این هنر. هوره از آوازه‌های پرکاربرد به‌ویژه در آیین‌های عزاداری مناطق کردنشین است.

متعلقات هوره

چمری: یکی از متعلقات هوره، چمریست، چمری سنت نواختن مارش عزا برای بزرگان و قهرمانان ایل و هم‌چنین جوان‌مرگ شدگان در بین اقوام زاگرس میانی تا جنوبی، پیشینه‌ای دراز دارد. امروزه گُردها، لک‌ها، لرها، بختیاری‌ها و ترکان قشقایی و شاسونی ساکن در نیمه جنوبی زاگرس، آن را به شکل‌های گوناگون اجرا می‌کنند. اصل داستان یکی است؛ ولی نغمه‌ها و ریتم‌ها و هم‌چنین ابزار مورد اجرا گاهی از جایی به جایی دیگر، متفاوت است.

وجه تسمیه: در فرهنگ مردوخ به معنای دایره، در دهخدا به معنای آشکار و ظاهر و در فرهنگ عمید به معنی (چه مه ری) یعنی چشم براه یا چَم و چَمَان به معنای خم و خم شدن آمده است. ندای موسیقی از حس و حال درونشان به گونه‌ای سوزناک و غمبار سخن می‌گوید که به راحتی هر شنونده‌ای به اندوه موجود در آن پی برده و با آن همنوا و همراه می‌شود.

اجرای چمر در میان زاگرس‌نشینان

ساکنان زاگرس میانی بیشتر با سرنا و دهل و ساکنان زاگرس جنوبی با کرنا و دهل و در میان لرهای بویراحمد و هم‌چنین قشقایی‌ها با ساز کرنا و نقاره اجرا می‌کنند. این آیین در میان کردها و لک‌ها و لرهای استان لرستان چمر^۲ یا چمریونه، در میان بختیاری‌ها چپ یا چپی، در میان لرهای بویراحمد «واری» و در میان ترکان قشقایی، «دوره»^۳ نام دارد. با ظهور اسلام، برخی سنت‌های عربی اسلامی با این سنت‌های بومی در هم آمیختند. نمونه‌اش اجرای موسیقی ویژه بومیان زاگرس برای روز عاشورا است. می‌توان گمان برد از دوره آل بویه که عزاداری شیعیان، رنگ و لعابی گرفت، این آیین نیز کم و بیش برقرار بوده است.

ملودی: این آیین بسیار متنوع است و بسته به دانش و توانمندی نوازنده، گاهی تا شش یا هفت نغمهٔ مختلف را پوشش می‌دهد؛ ولی ریتم دهل کم و بیش همین است که می‌شنوید.

^۲ - Chamar

^۳ - Davera



تصویر برگزاری چمر همراه با ساز سرنا و دهل - کرمانشاه

چمر یکی از آیین‌های برجای مانده از ایران باستان و به احتمال زیاد برآمده از تمدن ایلام است. چمر جزء یکی از مراسمات عزا است که در مناطق زاگرس نشین ازگوش لک و زبان لری لرستان گرفته تا زبان کوردی ایلام کردستان و کرمانشاه اجرامی گردد. لره‌های بختیاری حوزه جغرافیایی خوزستان آن را گاگ‌پو می‌نامند. مراسم سوگواری برای هر شخص بنا به جایگاه و ویژگی‌های آن فرد اجرا می‌شود به نوعی که این تفاوت در میان اشعار و نوع آهنگ آن کاملاً محسوس است و این اشعار معمولاً به زبان لکی می‌باشد. چمر "یا" چمری " موسیقی و آهنگ اندوه‌باری است که در سوگ و عزای افراد بزرگ در ریتم‌های متفاوت و به وسیله "سرنا" و "دهل" نواخته می‌شود. پیام آیین "چمر" علاوه بر بیان اوج اندوه مردمان این سرزمین، حامل پیغامی است برای سایر افراد؛ به نوعی که با اجرای این مقام از موسیقی عزا همه خواهند فهمید که بزرگی از میان ایل و یا طایفه عزادار مرده است. در مراسم سوگواری هم چنین مویه‌هایی در سوگ شخص متوفی خوانده می‌شود که در این آیین زنان کُرد، لک، لر با هم‌آوایی این اشعار حزن‌انگیز را زمزمه می‌کنند.

نمونه ابیات چمری

سوگواری شیرین بعد از مرگ فرهاد:

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

آری اینجا هم طبع شاعرانه مردمان این مرز و بوم معجزه می‌آفریند و از زیان معشوقه ناکام و دلسوخته "فرهاد" چنین نقل می‌کنند:

متن کردی:

شهرت بووله داخده هرگز نه‌ختم برگ آزیه تید له وهر نه که‌نم

ترجمه: با خود عهد و شرط می‌بندم که از داغ جدایی‌ات هرگز نخندم.
لباس و رخت عزا از تن داغ‌دیده ام در نیاورم و سوگواری‌مانم

متن کردی:

شهرت بووله داخده نه‌نیشم وه شای بهرد و بنچینه‌ئ خوسرهو بهم وه بای

ترجمه عهد بسته ام از داغ فراق ات مسرورنباشم وشادی نکم
بنیاد و دارایی خسرو را برباد دهم

متن کردی:

شهرت بووله داخده دیدم وه خۆن کهم وه ناخون سینه‌م چۆ بیستون کهم

ترجمه: عهد بسته‌ام از داغ فراق دیده‌امرا به خون آغشته کنم.
با ناخن انگشت، مانند بیستون که سینه‌اش ریش‌ریش (زخم و جراحت) شده سینه خود را زخمی نمایم.

متن کردی:

شهرت بوو له داخدا ههر یه حالَم بوو تا دونیا دونیاس سیا به رگم بوو

ترجمه: عهد بسته‌ام از داغ جدایی‌ات حالم بهبود نیابد و همین بدحالی را داشته باشم. تا عمر در دنیا دارم و تا دنیا، دنیاست سیاه‌پوش بمانم.

متن کردی:

سیه بپوشم قرمز ده بانئ ناز یه تید بیرم کەس پیم نه زانی

ترجمه: سیاه بپوشم آغشته به خون، لباسم به رنگ قرمز درآید. سوگوارت باشم؛ اما کسی به دل سوگواریم پی نبرد.

موره، موور از دیگر متعلقات هوره

عمق حزن و اندوه زاگرس‌نشینان در رثای یار. این آواز حامل کوله‌بار فرهنگی یک قوم است و مهمترین عناصر فرهنگی یک قوم را در خود جا داده و ذخیره کرده است. همان‌طور که نمی‌توان مردمی را یافت که زبانی نداشته باشند. تصور قومی بدون موسیقی نیز ناممکن است. موسیقی و زبان چنان به هم تنیده‌اند که گویا با هم زاده شده‌اند. در میان گُردها موسیقی یا ساز و آواز با زندگی این مردم همزاد است و با تار و پود وجودشان گره خورده است. گرچه در مورد موسیقی کُردی پژوهش‌های جامعی صورت نگرفته و منابع مکتوب مستند محدود می‌باشد؛ با این حال اطلاعاتی در مورد آن در دسترس است.

تصویر هوره‌خوانان و مورخوانان شهیر کُرد

گُردها و لرها به طور عمده در مناطق زاگرس میانی، غرب کشور زندگی می‌کنند، دو قومیتی که از نظر موسیقی جایگاه ویژه‌ای دارند و موسیقی در لحظات زندگی‌شان

حضور دارد. از این حیث موسیقی گُردها و لرها می‌بایست، طبق فرآیند اشاعه، عناصر فرهنگی را از همسایگان خود گرفته و تأثیراتی بر آن‌ها گذاشته باشد. گُردها و لرها به‌خصوص لرستان، نگاه خاصی به مرگ دارند و دعوت کردن از آشنایان و اقوام فرد در حال مرگ و فراهم آوردن شرایطی آرام و جمعی جهت تسهیل مرگ برای فرد، بخشی از فرهنگ آن‌هاست.

در مراسم خاکسپاری مردم مناطق گُردنشین و لرنشین نیز افراد زیادی شرکت می‌کنند. در این شرایط موسیقی نقش خاصی دارد و به اطرافیان متوفی کمک می‌کند تا راحت‌تر با غمشان کنار بیایند. خواندن "موره" با همراهی سرنا و دهل تسلی‌بخش غم مردمان گُرد است.

نغمات و مقام‌های هوره

هوره را اگر دستگاه آوازی مجسم کنیم، دارای نغمات خوش‌الحن و مقام‌های متعددیست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

برخی مقامات هوره

۱. جلوشاهی
۲. بان‌بنه‌ئی
۳. بنیری‌چر
۴. کۆه‌ی‌چر
۵. دوده‌نگی
۶. سه‌ر کۆه‌چر
۷. باریه
۸. غریبی
۹. ساروخانی
۱۰. گل‌هؤدره

۱۱. پاره مووری .
۱۲. موور لکی
۱۳. قطار
۱۴. هجرانی
۱۵. معجنونی
۱۶. سحری.
۱۷. هه یلاوه .
۱۸. چنانی چر
۱۹. ئه رکه وازی چر
۲۰. لاچر
۲۱. قلآواری
۲۲. قلخانی
۲۳. به زمی چه پله
۲۴. سیاچه مانه
۲۵. ریژواری چر
۲۶. نه نگاگه
۲۷. ن ملی
۲۸. سوواره چر
۲۹. سه حه ری.
۳۰. گول وه خار و ...

طلایه داران هوره معاصر

از هوره خوانان معاصر و طلایه داران این آواز کهن، می توان از زنده یادان اساتید "علی نظر منوچهری"، "اولعزیز" "ابراهیم حسینی" "یاسم یاسمی" "سمین کمری" و پیشکسوتی معروف چون سیدقلی کشاورز نام برد که بیش از نیم قرن آواز می خوانند.

معرفی آقایان هوره‌خوان

علی کرمی‌نژاد، ملقب به حاج طوطی (ایل سنجابی)، بهرام‌بیگ ولدبیگی، سیدعلی اصغر کردستانی (ستی‌خوان هم‌عصر عارف قزوینی)، خانجان خسروی از روستای سیدایزایل کرگاه قصرشیرین، همه‌گریزه‌ئی از طایفه جاف، شیخ اسماعیلی، فرود نوروزی جاف، نجات و بساط عثمانوند، نریمان نظری، سیروان محمدی، کیهان شیخی، سیروان کرمی، صفدر مرادی، مایخان پرویز، سلیمان نوروزی سرپل ذهاب، علی ویسی و منصور رضایی سرهنگ بازنشسته از سرپل ذهاب، فرج قنبری از روستای گاسور کرد غرب، فرامرزان خانی و داریوش مینادوست از گیلانغرب (گواور)، نریمان سیاپور نادر نظری، تیمور ابراهیمی، اکرام عظیم‌مرادی، عبدالصمد عبد پور، علی‌نظر ابراهیمی، محمد عسکری ملکشاهی، حسین تاتلی ملکشاهی (ظاهر چراغی و شکراله رشیدی از ایلام، جلیل رضایی، سعداله صفایی و ایلخان ارکوازی از ارکواز چوار، ایلخان کمرزاده، عزیز و جوهر شکرپور)، کریم صادقی سرتنگ، زنده یاد محمدعلی صادقی سرتنگ، خیراله ناصری، مجیدنوری، خیراله حسینی، رسول و منصور شکری، علی‌اشرف نرگسی، منوچهر اسماعیلی، علی‌عسکر اسماعیلی، میوالله رشیدی سرتنگ، شمس‌اله لطیف‌زاده، زنده یاد احمد شفیعی از شهرستان ایوان، علی‌برار مرادی و قدرت مردانی از روستای امیرآباد اسلام‌آباد غرب، پیمان رازیانی پاهو کرمانشاه، استاد ایرج رحمانپور کوه‌دشت، مومه جوزی‌پور لرستان، جواد مریدی‌نجمه، عبدالرضا عباسیان، (اصالتاً فرزگه ایوان) و نجف محمدی از سرپل، محمدرضا کلانتری از کرمانشاه شاعر گُرد (کتا پدژاره‌ئی دَل و فدائی‌دای).

تصویر هوره خوانان و مورخوانان غرب ایران









بانوان هوره‌خوان

زنده یاد ننه نرگس رشیدی از طایفهٔ عبدی ایوان، متعلقهٔ مرحوم عظیم‌خان حیدری
فرزگه، تاتی فردوس پارابی (ایوان)، میمگه مروت (سرپل‌ذهاب)، گوهر بازرگان،
تهمینه حاتمی از طایفهٔ هلشی ایوان، عالیه و والیه، دو خواهر هوره‌خوان از ایوان،
غزال اسماعیلی از زرنه، شیرین صفری، نهدسیرین صفری از اسلام آباد غرب، ستاره
علیمرادى .



خلاصه

آواز آیینی هوره، به‌عنوان یکی از میراث‌های گرانبهای فرهنگی سرزمین بزرگ ایران، دارای هویت تاریخی و باستانی است که از نیاکانمان، سینه به سینه به ما رسیده و برجای مانده و دارای سابقه طولانی است. از این‌رو، ضرورت دارد این هویت فرهنگی ارزشمند تاریخ موسیقی آوایی اقوام ایرانی را حفظ نماییم. هدف از ارائه پژوهش مذکور، رسالت فرهنگی و دفاع از هویت آوازی اصیل‌گرد به‌عنوان یکی از اقوام ایران زمین بوده که با جان و دل نگاشتن آن را از دو دهه پیش آغاز کرده‌ام، امیدوارم این نوشتار، آغازی برای پژوهش‌های بیشتر مراکز علمی و فرهنگی قلمداد باشد. به‌جا خواهد بود این تلاش را به روح اساتید فقید در این عرصه فرهنگی به‌ویژه روح پدر آسمانی‌ام که به‌حق یکی از طلایه‌داران این آواز کهن بودند، تقدیم نمایم.

منابع

۱. اعظمی، حسین و پریسا پورمحمدی (۱۴۰۱) گاهان، کهن‌ترین سروده‌های زرتشت به خوانش روان، انتشارات زاگرو
۲. بهرامی، بهمن، آواز مادر؛ ریشه مشترک هوره، مور و سیاجمانه
۳. بویس، مری (۱۳۷۷) تاریخ کیش زرتشت، همایون صنعتی‌زاده، انتشارات صفی‌علیشاه.
۴. بویس، مری، ورج، هنری (۱۳۶۸) خونیاگری در ایران، تهران، انتشارات ارون
۵. رسانه مهر (۱۳۹۵).
۶. صیدی، مهرداد، (۱۴۰۱) آئین سنتی چمر، سوگ سروده مقامی، انتشارات زاگرو.
۷. صفی‌زاده، فاروق، شناخت موسیقی. نشریه تریفه شماره ۴ دانشگاه اراک.
۸. طارمی، وحید، هوره آواز باستانی سرزمین آفتاب

۹. قیس رازی، شمس (۱۳۳۸) المعجم فی معاییر اشعارالعجم، محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. گودرزی، علیرضا، از هوره، آواز باستانی ایران بیشتر بدانیم.
۱۱. مرادی، عبدالله، تاریخچه موسیقی فولکلور «هوره» در منطقه دیواندره، هیوا محمدپور گزارشگر کردپرس.
۱۲. همزه‌ای، غلامرضا فریبرز (۱۳۸۵). جامعه شناسی هویت قومی نمونه گویشوران لکی، انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه.
۱۳. یادداشت اساتید رسانه‌های معروف در غرب کشور.

۱. mehabad.net Govar

Hurrah, a prayer song from ancient times

Vali Kamari

Abstract

Hurrah is an authentic, solid and historical song that is popular in the western part of Iran and among the Kurdish peoples and neighboring cultures. Hora culture has its roots in the ancient history of Iran. It is a prayer song based on the praise of Ahura Mazda. Before Islam, Zoroastrianism was popular in Iran, including Kurdish areas. The purpose of this research is to examine as much as possible the historical biography and familiarity of singers, and vocal arts, as well as the analysis and interpretation of various musical positions. The question that arises is what was the use of this song and what effect did it have on the social progress of the people? Information on the background and identity of Hora has been obtained by using sources and written works as well as field activities. Investigations show that these pleasant tunes have their roots in the ancient religion of Iran and were derived from heavenly tunes and drunken nightingales of the Zagros Mountains and melodious birds. During the celebrations, rituals and mourning, it polishes the soul of every human being. "Mor" or "Moye" song was usually held during a special ceremony and in a specific place in the description and legacy of the elders of the tribe, the chiefs of the tribe, and the names of those who left this world.

Key words: Hurrah song, Avaha, Zagros, Moye, Chamar, Ahura Mazda, Gatha.